



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۹۵	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۵
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۲۹ دیماه ۱۳۰۸ مطابق ۱۸ شعبان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعه مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجی « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۲۹ دیماه ۱۳۰۸ \* ( ۱۸ شعبان ۱۳۴۸ )

## فهرست مذاکرات

- |  |   |
|--|---|
| ۱ ( تصویب صورت مجلس                              | جهت تصویب نظامنامه پرداخت اعانه مدارس ملی   |
| ۲ ( طرح و تصویب دو فقره مرخصی                    | ۵ ( بقیه شور لایحه تأمین مدعی به از ماده ۴۴ |
| ۳ ( بقیه شور لایحه تأمین مدعی به از ماده ۳۹      | ۶ ( موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه        |
| ۴ ( تصویب فوریت لایحه تجدید اعتبار کمیسیون معارف |   |

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۲ دی ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \*\*

- |                            |                        |
|----------------------------|------------------------|
| رئیس - آقای فیروز آبادی    | و ثوق - قبل از دستور   |
| فیروز آبادی - قبل از دستور | رئیس - آقای دهستانی    |
| رئیس - آقای وثوق           | دهستانی - قبل از دستور |

\* عین مذاکرات مشروح نود و پنجمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵ )  
دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه آقایان : فہمی - حسنعلیمیرزا دولتشاهی - طباطبائی دیا - وهاب زاده - افغمی - پورمحسن - بوشهری - دکتر امیراعلم - فولادوند - دیوان بیکی - آقا زاده سبزواری - مولوی - جهانشاهی - موقر - اورنگ - بروجردی - امیر حسینخان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کیخسرو - رفیع - تیمورتاش

غائبین بی اجازه - آقایان - میرزا حسنخان وثوق - بیات ماکو - آصف - اعظم - حبیبی - لرستانی - ناصری - قوام ماک مدنی - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاجی حسن آقا ملک حاجی غلامحسین ملک

دبرآمدگان با اجازه - آقایان - عبدالحسین خان دیا - شریعت زاده - اسدی - ذوالقدر - مسعودی  
دبرآمده بی اجازه - آقای سرات اسفندیاری

رئیس - آقای زوار

زوار - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟

(گفتند خبر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

بعضی از نمایندگان - دستور

رئیس - وارد دستور شویم؟

چند نفر از نمایندگان - بلی

[ ۲ طرح و تصویب دو فقره مرخصی ]

رئیس - دو فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی

رسیده است قرائت میشود :

( ۱ ) مرخصی آقای ملک مدنی

نماینده محترم آقای ملک مدنی بواسطه امور محلی و ملی تقاضای چهل روز مرخصی از تاریخ اول دیماه ۱۳۰۸ نموده اند کمیسیون مرخصی معزی الیه را تصویب و اینک خبر آن را تقدیم میدارد

رئیس - آقای روحی

روحی - موافق

رئیس - آقای زوار

زوار - موافق

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - چندی قبل آقای ملک مدنی مرخصی گرفتند و تشریف بردند و این دفعه یک مرخصی دیگری است که ایشان می گیرند بنده بهمان نظریه که دارم از این جهت مخالفم و عقیده ام این است که ایشان مرخصی میگیرند یا کار دارند یا برای امور شخصی مرخصی میگیرند خوب است یکمقداری از حقوق خودشان را به فقرا تخصیص دهند تا اینکه بنده هم بتوانم یک راهی برای خودم درست کنم و رای بدهیم اما چون نمیدهند بنده نمیتوانم موافقت کنم خدا شاهد است این

یولی که از اینجا بفقرا میرسد يك تأثیرات خیلی خوبی دارد هم از حیث سیاست خوشت و هم از سایر جهات حالا دیانت را میگذاریم بحال خودش باشد البته سیاستاً هم صلاح ما این است که هر چه بتوانیم همراهی بکنیم به این ملاحظه بنده مخالفم مثلاً همین صد تومانی که بوسیله بنده تخصیص داده شد برای فقرا بقدر صد و سی نفر همه فدوی و دعاگوی این مجلس شدند چرا بجهت اینکه مجلس در فکر اینها بوده است و مراعات حالشان را کرده است البته این بیچاره مردم چشم دارند گوش دارند می بینند بنا بر این اگر ما مراعاتی از اینها نکنیم دلنگ می شوند باین ملاحظه بنده با این مرخصی مخالفم

رئیس - آقای زوار

زوار - آقای ملک مدنی بتصدیق نام رفقا یکی از وکلای وطن پرست هستند و در دو دوره هم که ایشان افتخار نمایندگی داشته اند هیچوقت در اجرای وظیفه خودشان قصوری نکرده اند مگر خدمت آقای فیروز آبادی عرض شده است در اینموقع که موکب مبارک اعلیحضرت همایونی از آنطرف عبور میفرمودند ایشان هم لازم بود در آنجا حاضر باشند و در رکاب مبارک باشند برای عرض احتیاجات ضروری محلی خودشان و همانطور که مقام ریاست عظمی هم تذکر دادند اینگونه مسافرها مستلزم يك مخارج کزافی است شما تصور فرمائید آقای ملک مدنی از محل خودشان بخواهند مسافرت کنند تا خوزستان بروند اقلاً دوپست سیصد تومان مخارج اتومبیل ایشان میشود و يك مخارجات دیگری که مثل همین اینها است بنا بر این هر کدام را که کمیسیون صلاح بداند البته نظر حسابعالی را اجرا خواهد کرد چنانچه خود حضرتعالی هم فرمودید که يك یولی تقدیم شد حضور مبارک عالی و به فقرا تقسیم فرمودید و البته هر کدام را کمیسیون صلاح دانست باز همین عمل را میکند و چون مرخصی ایشان برای امر ملی و ضروری بود از این جهت کمیسیون تصویب کرد

رئیس - آقایانیکه با این خبر موافقت قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر :

( ۲ ) خبر مرخصی آقای شهاد

نماینده محترم آقای شهاد از ۲۱ آذر ماه هشت روز تقاضای مرخصی کردند کمیسیون موافق اینک خبر آن تقدیم میشود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً بنده يك چیزی عرض کنم جهت بعد ها و آن این است که آن دفعه صد تومان برای بنده فرستادند و حالا خواهش میکنم که بعد ها چیزی در کمیسیون تصویب نشود که بتوسط بنده داده شود در کمیسیون بتوسط خود آقایان داده شود بهتر میرسد و راجع باین مرخصی هم نظر بهمان عقیده که دارم مخالفم

طلوع - مخالفی نکردند

رئیس - آقای وثوق

وثوق - آقای فیروز آبادی مخالفی نکردند که جواب عرض شود آقای شهاد هشت روز مرخصی خواسته اند و این هشت روز دیگر قابل نیست که مخالفی در آن بشود

رئیس - آقایانیکه با مقاد این خبر موافقت قیام فرمایند ( اکثر برخاستند ) تصویب شد

[ ۳ - شور لایحه تامین مدعی به از ماده ۳۹ ]

رئیس - قانون مدعی به از ماده ۳۹ مطرح است : ماده ۳۹ در صورتیکه اموال توقیف شده مهر و موم شده باشد شکستن یا محو کردن مهر مستلزم مجازاتی است که بموجب قانون مجازات عمومی برای این جرم مقرر است .

روحی - مخالفی ندارد

رئیس - ماده ۴۰ قرائت میشود :

ماده ۴۰ - توقیف عین اموالی که ضایع شدنی است ممنوع است در این صورت آن اموال بفروش رسیده و قیمت توقیف خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا بنده يك توضیح میدهم و آقای مخبر توجه فرمایند مثلاً عنوانی است درین ققها که الاشياء الذی یفسد لیومه اولیة خوب اگر امروز بماند فاسد میشود سبزی است خربزه است خراب میشود و وقتی که فاسد شد از بین میرود نه برای مدعی فایده دارد و نه برای مدعی علیه اما اینجا چیزی که نوشته شده مبهم است منط چه چیز است ؟ آیا تشخیص عرف است یا تشخیص محکمه است این یکی مسئله دیگر در ماده دیگر مینویسد در اینصورت آن اموال بفروش رسیده و قیمت توقیف خواهد شد اینجا هم معین نشده که کی بفروش میرساند آیا مأمور اجرا بفروش میرساند بخلاف مدعی العموم پارکه یا اینکه بنظر محکمه حکم بفروش میدهد حکم بفروش دادن از طرف کی است ؟ در این عبارت اصل مقصود معلوم است که اگر متاعی باشد و بخواهند تأمین کنند فاسد میشود او را نباید توقیف کنند و باید بفروشند اما کی بفروش معلوم نیست این را توضیح بدهند

کیانوری - ماده ۳۷ را مراجعه فرمائید

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده مخالفم

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده هم مخالفم

یاسائی ( مخبر کمیسیون ) - در ماده نوشته شده

است توقیف مائی که فاسد میشود ممنوع است و باید بفروش برسد و بحکم محکمه هم بفروش خواهد رسید

و اینها يك چیز هائی است که در قوانین مربوطه به اجرای احکام در وزارت عدلیه مصرح است و در اینجا دیگر توضیحی لازم ندارد که چطور بفروشند با اطلاع مدعی العموم و حکم محکمه - مواردش و تشخیص البته با عرف است با اینکه محکمه از نظریات او در آن مورد مسبوق باشد

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض میکنم بیانات نماینده محترم بنده را اقتناع نکرد مالی در شرف ضایع شدن است و مورد منازعه است در عدلیه و باید توقیف شود برای اینکه اگر توقیف نشود ممکن است يك حق حقی تضییع شود ام از طرفی هم يك حق دیگری تضییع میشود و آن حق صاحب مال است تضییع مال و فسادش را چطور تشخیص میدهند و این عمل در طرف چند روز است بعلاوه خیلی چیزها است که در شرف زوال است اصلاً دنیا در شرف زوال و فساد است بالاخره معلوم نیست که این مال در ظرف چند روز بایستی بمصرف فروش رسد بمزایده باید بفروشند. بمناقضه باید بفروشند بحکم محکمه میفروشند بحکم اجرا می فروشند این ماده مبهم است همین موضوعی را که آقای یاسائی اظهار داشتند بنده عقیده ام این است که اگر چنانچه در مورد دیگری هم هست این مسئله را ذکر کنند و مربوط کنند با آن ماده که بر طبق کدام ماده بفروش میرسد آنوقت بنده و سایر آقایانی که در این ماده نظری داریم آن مواد را می بینم و مطالعه میکنیم اگر اقتناع کننده بود قانع میشوم اگر نشد بایستی این ماده در شور دوم يك توضیح زیاده تری درش داده شود که این ابهام رفع شود و از این حیث بنده با این ماده کاملاً مخالفم

مخبر - اولاً اگر چنانچه مراجعه بماده ۳۷ بفرمائید در آنجا نوشته شده است که توقیف اموال منقول بتزیمی باید بعمل آید که در مقررات مربوط به اجرای

عین مفاد اخیر این ماده که در صورتیکه ضایع شدنی است باید بمصرف فروش برسد. این را در همین جا بکنجانند اما راجع بان اعتراضی که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و جوابی که مرحمت فرمودید در اینجا در ماده ۳۳ صریح مینویسد که مأمور حق هیچگونه مداخله در امور اجرائیات ندارد باز در ماده ۳۳ مینویسند مأمور مزبور حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول ندارد در ماده ۳۷ مینویسد: توقیف اموال منقول بتزیمی باید بعمل آید که در مقررات مربوط به اجرای احکام مصرح است ولی در همین ماده ۴۲ مصرح است که مینویسد مأمور اجرا نظارت داشته باشد و قیمت آن را در صندوق عدلیه توقیف خواهد کرد این مسئله که مینویسد مأمور اجرا نظارت داشته باشد و مباشرت کند این برخلاف آن مقصودی است که آقای روحی و آقای آقا سید یعقوب فرمودند بعقیده بنده چون این ماده صریح است خواست مفاد آن ماده را به این ماده منطبق فرمائید و این ماده را حذف کنند

مخبر - در قسمت ماده چهار ملاحظه فرموده اید مصرح است نظر این است اموالی که ذاتاً ضایع شدنی است از روز اول توقیف شود این یک مطلب است مطلب دیگر این است که اگر مالی توقیف شد زمان توقیف باعث خسارت نباید بشود همان مثلی که آقای ظهرانی زدند که اگر گندم شیشه بزنند باید فروخت و نگذاشت فاسد شود ولی البته کمتر چیزی است که روز اول قابل توقیف نباشد این ماده راجع به اجناسی است که از روز اول معلوم است که ضایع شدنی است و نباید توقیف شود ولی ماده بعد میگوید که اگر این توقیف باعث تضییع و فساد شود اینجا باید توقیف را از بین برد اما راجع بمأمور اجرا و راجع بتوقیف های محصولی که بدفعاتی است در آنجا گفته شده است که باید مراقبت کنند که صاحب محصول محصولات را جمع آوری کند که بعد بشود توقیف کرد و تامین کرد یعنی مداخلات

مستقیم در برداشت محصول و اینها نداشته باشند و البته لازم است این مطلب زیرا در قانون اجرای احکام عدلیه نیست و این پیش بینی که محصولی که بدفعات دست میاید چطور باید توقیف کرد این هم پیش بینی نشده است و لازم است که در اینجا يك ماده گذارده شود و مواد اجرای احکام عدلیه نواقص خیلی دارد بالاخره يك قانونی است که از مجلس دوره اول گذشته است ولی حالا که این قانون نوشته شده بارعایت احتیاجات و مقتضیات است و این قانون با آن قوانین خیلی فرق دارد غالب مواد آن قانون هم عملی نیست حتی در عدلیه هم نتوانسته اند عملی بکنند و باید آن قوانین را هم آقای وزیر عدلیه فرصتی کنند و اصلاحاتی درش بکنند و بیآورند بمجلس تصویب شود ولی مادام که آن قوانین نسخ نشده و بقوت خودش باقی است مواردی که عمالی است و اجراء میشود باید عمل کرد و قانون را رعایت نمود

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - تأمین مدعی به بجهت يك احتیاطی است اگر چنانچه مدعی علیه بالاخره محکوم شد نباید حق مدعی ضایع شود لیکن اگر چنانچه تا اندازه این احتیاط را توسعه میدادید بنده گمان میکنم راضی نمیشدید اجناسی که روز اول اگر توقیف نشود ضایع میشود ربطی باین موضوع ندارد که الان مطرح است اصلاً اگر نباشد در صورتیکه از قبیل فواکه و امثالش را بخواهند توقیف کنند و بعد بعنوان اینکه ضایع میشود بفروشند این يك تصرف اساسی است در مال غیر و در واقع سلب ید صاحب مال کرده و البته تصدیق میفرمائید که مالی را که بحکم محکمه و با نظارت اجرا و بالاخره از روی محکومیت بایستی بفروش برود و آنهم چیز های ضایع شدنی این به قیمت بفروش نخواهد رفت و نصف قیمت عاید نخواهد شد شما بچه دلیل راضی بضرر صاحب مال میشوید سلب ید میکنید بجهت يك

احتیاطی و این احتیاط هم فوجتین است باید دو طرف را رعایت بکنید بنده عقیده ام این است اشیائی که ضایع شدنی است بکلی از ادش بگذارید نه اینکه توقیف شود و بعد بفروشند بکلی بگذارند دست صاحب مال باشد و دست صاحب مال را بمجرد ادعای یک مدعی از مالش کوتاه نکنید بالاخره دایره را این اندازه وسعت دادن بعقیده بنده مقتضی نیست.

مخبر - اینجا بعقیده بنده عبارت صریح است نوشته است توقیف اموالی که ضایع شدنی است ممنوع است اموالی که ضایع شدنی است نباید توقیف شود ولی قیمتش باید توقیف شود مقصود این است که قیمت را توقیف کنند شما فرضاً یک مالکی داشتید باغی داشتید اجازه دادید بیک شخص مال الاجاره را مطابق ترتیبیاتی که معمول است نیرداخته یا سه قسطش عقب مانده شما رفیقید بعدلیه و شکایت کردید از مستاجرتان و تقاضای تامین مدعا به هم کردید خوب اگر بناشد تامین نشود که آن محصول سردرختی و امثالش هم را ازین خواهد برد و دست شما بجائی بند نیست و اصلاً آن مستاجر چیز دیگری هم ندارد غیر از محصول این باغ که از شما اجازه کرده بالاخره اگر بناشد محصول هم توقیف نشود آن سردرختی را هم بمصرف فروش خواهد رساند بعد هم هیچ در دستش نیست و ظاهراً هم چیزی ندارد پس بگذارید ماده بهمین ترتیب که هست باشد و در فروش هم آنقدرها حیف و میل نمیشود میفروشند بانظارت و پولش توقیف میشود.

نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادهائی که رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای لاریجانی

مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی دامت شوکه بنده پیشنهاد می نمایم که تبصره ذیل بماده چهارم اضافه شود:

تبصره - در مورد فروش اموال مصرحه در این

ماده مواد ۶۹۲ ناماده ۷۰۱ اصول محاکمات حقوقی رعایت خواهد شد.

پیشنهاد آقای مجد ضیائی:

پیشنهاد میکنم ماده ۴۰ اصلاح شود توقیف عین اموال ضایع شدنی ممنوع است در این صورت اموال باطلاع صاحب مال و محکمه بفروش خواهد رسید

رئیس - ماده چهل و یکم قرائت میشود:

ماده چهل و یکم - هرگاه اموال در نزد مدعی علیه یا محکوم علیه یا شخص ثالثی توقیف شود هر گونه تفریط یا تعدی نسبت بان مال از طرف شخصی که مال نزد او توقیف شده است مستلزم مجازات خیانت در امانت خواهد بود

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - بنده خواستم توضیح بخواهم که

مقصود از جمله ( هر گونه تفریط یا تعدی نسبت بان مال ) چه چیز است تفریط در مال معلوم است که مقصود چیست ولی تعدی نسبت بمال تصرف در مال است با چیز دیگر؟ اگر تصرف است بهتر این است که همان تصرف نوشته شود و اگر مقصود چیز دیگر است خوب است بفرمایند

مخبر - عرض میشود مقصود تصرف مطلق او نیست

مقصود این است که شخص ثالث اگر مالی نزد او توقیف شد یک سهل انکاری هائی نکند که آن کسی که مالک مال است بتواند از آن استفاده بکند یا در معرض مداخلات او قرار دهد مالی است پیش من امانت است من رد میکنم بصاحبش از نقطه نظر تامین مدعی به او یک تعدی را مرتکب شده است بدون اینکه خودش هم یک مداخله کرده باشد ما اگر بنویسیم و تصریح کنیم تصرف ممکن است یک موردی مربوط بتصرف شخص ثالث نباشد ولی درعین حال تصبیح شده باشد این عبارت بعقیده بنده

جامعتر است از تصرف و شامل اوهم خواهد شد معذک اگر عبارتی واضحتر و جامعتر از این بنظر نماند میرسد ممکن است پیشنهاد بفرمائید

رئیس - پیشنهادی از آقای دیبا رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

چون در ماده ۲۶ توقیف مال ضامن نیز پیش بینی شده پیشنهاد مینمایم در سطر دوم ماده ۴۱ بعد از جمله شخص ثالثی نوشته شود یا ضامن

رئیس - ماده چهل و دوم قرائت میشود:

قسمت پنجم - مقررات مشترکه و توقیف طلب ماده چهل و دوم - در هر مورد که مالی اعم از منقول یا غیر منقول توقیف شود و بیم آن رود که ادامه توقیف عین مال موجب ضایع شدن مال یا تنزل قیمت آن خواهد بود هر یک از طرفین حق تقاضای فروش دارد ولی هر گاه طرف دیگر موافق با فروش نبوده و ضرری را که از نفروختن مال ممکن است ناشی شود تامین نماید مطابق نظر او عمل خواهد شد در صورت فروش مأمور اجرا نظارت داشته و قیمت آنرا در صندوق عدلیه توقیف خواهد کرد - مدعی یا محکوم له نیز حق نظارت در فروش دارد.

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده تصور میکنم این ماده برای تامین مدعی به که نوشته شده است اتفاقاً مخالف این مقصود نتیجه میدهد زیرا اگر مال تلف شدنی باشد محکوم علیه ضمانت کند از طرف صاحب مال خوب این چه تامین مدعی بهی است؟ بنده نفهمیدم. این مال تلف شدنی است فرض کنید یا گندم یا سیب توقیف کردید و آن وقت اینجا قید کردید که بتقاضای احد طرفین محکوم علیه آمد و گفت آقا این مال را نفروشید اگر تلف شد بعهده بنده. پس چه چیز را تامین کردید؟ این

برخلاف اصل ماده است بنده تصور میکنم این ماده باید اصلاح شود و بالاخره حقیقه معنایش این است که اصلاً تامین مدعی به نشود زیرا اگر تامین مدعی به باشد اینجا مرجعش برمیگردد بضمانت خود محکوم علیه رفع توقیف مدعی به است حالا این را بنده نمیدانم آقای مخبر چطور اصلاح میفرمایند.

مخبر - عرض میشود این در قوانین سابق پیش بینی نشده است ولی در عمل اجرائی مورد احتیاج شده است بسیاری از اموال توقیف میشود از طرف محاکم در مدت منمادی و درحین توقیف دیده میشود که آن اجناس یک صعود و نزول پیدا میکنند الان مثلاً اگر توقیف شود یک قیمتی دارد ششم دیگر که از توقیف خارج شود ضرر دارد و ممکن است آنکسی که تامین بر علیه او شده بگوید اگر آن مال را آنوقت فروخته بودید و توقیف نکرده بودید بسیاری از دین من پرداخته میشد ولی شما در توقیف نگاهداشتید و حالا قیمتش خیلی نازل شده است پس اصل فرض این ماده روی این قسمت بود و هیچ ضرری هم بتامین مدعی به ندارد زیرا که گفته نمیشود که توقیف بکلی رفع میشود گفته شده است بفروش میرسد نتیجه حاصله از آن یعنی قیمت توقیف میشود مگر اینکه یکی از طرفین موافقت با فروش نکند بگوید من موافق با فروش نیستم آنوقت میگویند تامین بده یعنی باندازه تفاوت تامین بده شد محکوم له بنده محکوم علیه محکمه مال مرا توقیف کرده است شما میگوئید الان چون قیمت در صعود است و در ترقی است بفروشند بنده قبول نمیکنم محکمه بمن میگوید پس باندازه که ممکن است از نفروختن خسارت وارد شود تو تامین بده من تامین دیگری ضامن دیگری بشکل دیگری تامین میدهم و ضررش هم با خودم است و بنظر بنده این ماده خیلی خوب است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای مخبر توجه بفرمایند

بنده در اساس و تنظیم این ماده موافقم لیکن در یک قسمت از آن مخالفم و پیشنهاد هم کرده ام و آن مسئله تنزل قیمت است در وقتی که ادامه توقیف عین مال موجب ضایع شدن باشد این مسلم است و بموجب قاعده کلی (لا ضرر) که ما داریم اینجا هم بجهت اینکه مال هنوز حق ثابت کسی نیست که ما تأمین کرده باشیم و ضرر وارد شده باشد پس اگر مالی را بخواهید توقیف کنید و ضایع شود در اینصورت باید فروخته شود و قیمت توقیف شود بنده در این قسمت کاملاً موافقم اما در مسئله تنزل قیمت این تنزل قیمت مناطی ندارد بعلمت اینکه مسئله بازار است کلیه اجناس در بازار در حال تنزل و ترقی است کلیه اجناس منقول این حال برایش هست تنزل و ترقی برایش هست یک چیزی نیست که ثابت باشد و علی الاستقرار که در نگاهداشتن تغییری نکند پس اینکه بخواهیم بگوئیم بمجرد تنزل قیمت موجب فروش این واقع میشود این بنظر بنده مخالف اصل مقصود است بعلمت اینکه این مال که از ملکیت مدعی علیه هنوز خارج نشده است سلب مالکیت او واقع نشده هنوز محکمه حکم بحقیانیت مدعی نداده پس مال او است و باید رضایت او باشد حالا بمجرد اینکه مدعی که تأمین کرده است میگوید من بیم دارم که این تنزل قیمت پیدا نکند بیائیم آنرا بفروشیم میخوام عرض کنم تنزل قیمت غیر از عنوان ضایع شدن مال است در ضایع شدن اصل مال از بین می رود ولی تنزل قیمت تنزل بازاری است که در هر مال منقولی تصور میشود پس این است که بنده پیشنهاد کردم در قسمت اولش که راجع بضايع شدن مال است برای اینکه حفظ مال مسلم است و باید آنرا ما ملاحظه کنیم بنده موافقم و در آن قسمت آخرش هم که آقای کیا توجه نکردند اگر ضرری باشد تضمین میکنند اما در مسئله تنزل قیمت نمیتوانیم میزانی برایش قائل شویم این را بنده مخالفم و پیشنهاد کرده ام

مخبر - حضرتعالی در قسمت اینکه محکوم علیه بامدعی علیه رضایت بدهند اشکال ندارید البته مالی که متعلق است بانها در موقع تأمین نباید سلب تسلط مالکانه را کرد و مدعی علیه یا محکوم علیه حکمش هنوز قطعی نیست در یک قسمت آن که اشکال ندارید پس فرض این است که محکوم علیه و مدعی علیه راضی بفروش نشوند یا احتمال تنزل داده شود و گفته شود تأمین بدهید. یک تأمین دیگری بدهید که اگر تنزل کرد (چون شما باید در نظر بگیرید که قرار تأمین روز اول که صادر میشود مناط است نه آن قیمتی که روز اول در عرضحال معین شده است) آنوقت معادل آن یک اجناسی را توقیف کنند ممکن است بعد از یک مدتی بواسطه تنزل قیمت نصف شود پس تأمین نصف شده باید این فلسفه را حفظ کرد اگر محکوم علیه تفاوت را داد و رضایت دادند آنوقت البته بمیل آنها رفتار میشود سریع ماده هم هست و اشکال ندارد.

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده ۴۲ عبارت یا تنزل قیمت حذف شود

رئیس - ماده چهار و سوم قرائت میشود:

ماده چهار و سوم - هرگونه نقل و انتقال راجع به عین یا منافع اموال توقیف شده اعم از اینکه اموال مزبوره منقول یا غیر منقول باشد غیر نافذ است و انتقال دهنده و همچنین انتقال گیرنده که عالم بتوقیف بوده به ششماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم و بعلاوه ناموقعی که جبران حقوق تضییع شده طرف را نموده است توقیف خواهد شد.

رئیس - آقای هزار جریبی

هزار جریبی - در این ماده که مینویسد نقل و انتقال راجع به عین یا منافع اموال توقیف شده ممنوع

است بنظر بنده قسمت دوم آن با قسمت اول مخالف است اگر این مال توقیف باشد که دیگر انتقال دهنده نیست مطابق ماده ۳۸ و ۴۱ این قانون این مال توقیف شده است و بمر اجرای عدلیه رسیده است این در توقیف عدلیه است انتقال دهنده در بین نیست. بعد هم مینویسد انتقال دهنده و انتقال گیرنده که عالم بتوقیف بوده به ششماه تا دو سال حبس تادیبی محکوم خواهند شد و بعلاوه ناموقعی که جبران حقوق تضییع شده صرف را نموده است توقیف خواهد شد. عرض بنده این است که توقیف حکم حبس است و ما حبس را یک چیز عادی تلقی میکنیم. اینطور نیست. این خیلی مهم است آدمرا ببرند دو سال حبس کنند باید ملاحظه کرد که این حبس چقدر فساد اخلاق میورد یک نفر آدم ممکن است طرف دعوی ده تومان باشد و این را ببرند شش ماه حبس کنند برای اینکه اصل مدعی به در اینجا توقیف است آنوقت در خارج همچو کاری کرده اند شش ماه او را حبس کنند برای ده تومان دعوی. این چقدر فساد اخلاق میآورد. این زن دارد بچه دارد و فساد اخلاق میآورد و چطور میتواند مجلس شورای ملی متصل برای هر چیزی رأی بدهد که مرده را حبس کنند پس ما باید یک مجلس طولانی بقدر بی ثلک ملکات ایران بان وسعت بسازیم و همه روزه بروند حبس شوند. بنده اصلاً مخالف با حبس هستم اگر اشخاصی مجرم واقع شوند مطابق قانون آنها را باید مواخذه کرد و جزا داد ولی بنده مخالف هستم با این طریق حبس زیرا این طریق حبس فساد اخلاق میآورد بنده در باب حبس بقدری مخالفم که تمام فساد اخلاقها را زیر سر این حبس میدانم. مجرم است او را بگیرند مجازات کنند خداوند در قرآن میفرماید او یقتلوا او یصلبوا او تطلق ایدیم و ارجاهم. نه اینکه حبس شود صاحبش میکشد این بکلی زندگانش مختل میشود. زن بد اخلاق، بچه بد اخلاق، بنده بکلی مخالفم با حبس.

مخبر - عرض میشود فرمایشات آقای راجع بدو قسمت بود. یکی اینکه اساساً راجع بمجازات منکر حبس بودند، یکی اینکه اگر چنانچه کسی مال توقیف شده را انتقال بدهد لازم میدانستند که یک همچو مجازاتی بشود و فرض انتقال را هم نمیکردند. اما اینکه فرمودید وقتی مالی توقیف شود فرض ندارد که انتقال بشود چرا ندارد؟ انتقال مربوط بموافقت عدلیه نیست مال مراممورین عدلیه توقیف کرده اند ولی بنده میرود در محضر انتقال میدهم به آقای کیا. توقیف که اثر شرعی در انتقال من ندارد. بالاخره در معامله من اگر قصد ائمه داشتم اگر موجبات صحت از طرف من وجود داشت مال من میشود مال آقای کیا. پس این مجازات برای این است که یک همچو عملی نشود زیرا بی اعتمادی به توقیفی که از طرف محاکم عدلیه شده است یک گنده بزرگی و جرم عظیمی است و میبایستی مجازاتی بر او مترتب شود و در سایر موارد هم هم قوانین مختلفه گذاشته که اثر برای بی التفاتی بود مجازات دارد و ما بگیریم این کار را بکنیم زیرا در این ممکن است از سالیان دراز نفس و انتقاهی متعدد که هیچ اساس صحیحی نداشته است مانده زود واقع شده و پیشتر محاکمات ما مربوط به آن نفس و انتقاهی آزاد غیر محدود است و ما بچاریم بالاخره بموجب قوانین از این فساد اخلاقها جلوگیری کنیم که ملاحظه دو جا معهود نکند و بدانند که اگر معامله کرد مجازات میشود اقلاً تهدیدی بشود. اما راجع بحبس بنده هم در یک قسمت به شما موافقم در این ملکات به طرز زندگانی ایرانی با اینکه تمام گرفتاریهای هر عائله بدوش مرد است با اینکه زنها خودشان استقلال در زندگانی خودشان نمیتوانند داشته باشند حبس مرد باعث اختلال زندگانی عائله است بنده خودم وقتی که مشغول کارهای قضائی بودم این معنی را شاید پیش از حضرتعالی حس میکردم که چقدر مضر است غالباً جرم را اشخاص فقیر میکنند یعنی اگر به استانیستیک و احصائیه مراجعه کنیم دلایلی که

بیشتر سبب جرم است فقر است و این چیزها و فساد اخلاق هم در توده بیشتر است تا طبقات ممتازه اینها همان هائی هستند که زندگی آنها زندگی شبانه روزی است معاش یومیه شان را باید روز بروز تحصیل کنند اینها را وقتی گرفتند حبس کردند عائله شان از کار باز میماند ولی وضعیات کنونی تمدن کنونی دنیای معاصر ارتباط و اتصال ما با دنیا اجازه نمیدهد که ما یکسایست های بدنی را امروز در ملکات اجرا کنیم (تسایندکان صحیح است) نمیتوانیم بالاخره شد که اینجا می آید افتخار میکنید بنام اعلیحضرت بهاوی که کاپیتولاسیون ملغی شد لازمه و مقدمه اش این است که این قوانین در این ملکات باشد یک نکته دیگر هم هست که آقای هزار جریبی را توجه میدهم که یصلبوا و تقصعوا و اینها همه در جیب خردش صحیح است ولی وجود حاکم حکم دهند و قضی مسلم در اینصورت لازمه است زیرا تصدیق میکنید که این مجازاتها تدارک ندارد حبس تدارک دارد اگر مرا شش ماه یکسان حبس کردند میشود تدارک کرد ولی اگر مرا اعدام کردند و مسئله اعدام را خیلی سهل بگیریم و ممکن بود قضاوتش اشتباهی شده باشد آن وقت از تدارک ندارد شما که هنوز نمیتوانید بین قضاوت قرضاسی مضمئن باشید و از باب تجری است که تسلیم شده اید باین وضعیت آنوقت با اثر قطعیش که آنقدر سخت است نباید اجازه داد که آن اثر باشد و وجود داشته باشد بنساده خیال میکنم که اینگونه مذاکرات تجدیدش و مذاکره اش هم چندان لزومی ندارد پس اگر ما یک طرفی بتوانیم پیدا کنیم که یک سیاست های بدنی مثل آزاربانه و بعضی چیزها اجرا شود چنانچه یک وقتی در یک قانونی این مسئله تصریح شد ولی دیده شد که جنجالهایی تولید شد و حرفهائی زدند این را هم بشما عرض کنم که ملت ایران هم حالا زیر بار این جور مجازاتها نمیروند و خیلی مشکل است که دیگر این قبیل مجازاتها را اجرا کرد (صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - آقای مخبر توجه داشته باشند اصل بنده را بنده اساساً مخالف از چند جهت یکموضوع اینکه در سابق هم عرض کردم توقیف سلب مالکیت مالک را نمیکند زیرا هنوز حکم محکمه صادر نشده که این ملک مان این است بانه تا اینکه قانون سلب سلطنت او را کرده باشد و در نتیجه نقل و انتقال آن جائز نباشد پس هنوز قانون حکم محکمه بر سلب مالکیت این شخص صادر نشده باید آن بد غاصبه باشد پس چرا ما بیائیم و بگوئیم که اگر نقل و انتقال داد فلان مجازات را دارد این اولاً دنیا ما بهمان اندازه همانطور که آقای مسعود الملک اظهار کردند توجه بفرمائید بهمان اندازه که جرم است باید مجازات و عقاب قرار داده شود. مجازات را باید متناسب جرم قرار داد فرضاً ما این آمد نقل و انتقال داد دولت اثر نفاذ میداند در تمام ملکات قانون ثبت اسناد الان اجباری و عمومی است در ثبت اسناد و در ادارات دولتی چنین نقل و انتقال را خوب است بگوئیم اعتبار ندارد دیگر چرا این شخص را مجرم کنیم کلاه بردار کنیم و هزار گونه جرمهایی که برای جنایات بزرگ است در اینجا برایش قائل شویم دولت این نقل و انتقال را نفاذ نمیداند. اگر قبلاً را آوردند در ثبت اسناد و خواستند ثبت کنند دولت بهش ترتیب اثر نمیدهد و ثبت اسناد از همین موقعیکه محکمه این حکم را صادر کرده است دیگر نقل و انتقالی در این نفاذ نمیدانند اینک این را جنایت را قرار دهید و احکام محنی علیه را بر او بار کنید این اولاً زیرا این جرمی نکرده است که این جور عقاب آور باشد در واقع تلافی کرده و اثرش همان اندازه است که ما میگوئیم در ادارات دولتی اثر ندارد و اجرا نمیکند حالا که دیگر بفر از ادارات دولتی محکمه نیست در خانه باز نیست وقتی که این جور است همه چیز دست دولت است همین که این نقل و انتقال واقع شد با اثری نمیدهد اما آمدیم راجع بمسئله حبس و جرم که

این جا بیان کردید اینکه آقای هزار جریبی بیان کردند آقای یاسائی در کمیسیون دوره پنجم بودند قانون مجازات را که مینوشتم کاملاً این حرف در نظرشان بود که ما بیائیم و در ملکات برای هر چیز جزئی حبس قائل شویم بدبختانه هر چه هست تمام قوانین منزلت است نسبت بطبقه چهارم و پنجم نماز و روزه را آنها باید بگیرند خمس و زکوة را آنها باید بدهند سر بر سر هم که او باید بدهد حبس هم آنها باید بشوند غیر از این طبقه اول و دوم و سوم هیچوقت نخواهد رسید و تمام قوانین آلبی و ملکتی مال طبقه سوم و چهارم و پنجم است تا وقتی که طوری شود که همه مساوی باشیم پس حالا که اینطور است وقتی که خواستیم سارق را جرم قائل شویم همان کسب را میبریم و اگر بخواهیم یک سیر هم جرم بدهیم همان طبقه را میدهیم پس اینکه آقای مسعود الملک بیان کردند باعتبار این است که همه حبس هر را این طبقه میشوند حالا که ما کاملاً میدانیم هر حبس و زجر که هست نسبت باینها است باید حتی الامکان دائره اش را محدود کنیم فرضاً که حالا نمیتوانیم دائره اش را محدود کنیم دیگر چرا بیائیم دو سال حبس قائل شویم! خوب همین قدر بگوئیم که این معامله نافذ نیست غیر نافذ است بنده کاملاً واقف با فرمایش شما در اینکه ما در یک مرحله از زندگانی واقعیم و در یک برهه از زمان هستیم که نمیتوانیم غیر از عقوبت حبس چیزی را در قوانین مجری بداریم. آن ضرب و داغ و درفشهایی که سابقاً در نظمی میکردند و آن آب داغ و غیره بکلی ازین رفته ولی این را هم باید محدود کنیم بیك جرمهایی. اما اینکه يك کسی آمد و يك مال توقیف شده را نقل و انتقال داد همینقدر که این معامله نافذ نباشد کفایت میکند پس همانطور که آقای مسعود الملک اظهار کردند بنده کاملاً موافقم که ضرورت را بقدر خودش باید حفظ کرد در اینجا با اینکه معامله غیر نافذ باشد موافقم ولی حبسش را بکلی مخالفم و پیشنهاد هم میکنم

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض میکنم اولاً باید فهمید که این کاری که کرده تقصیر کرده یا نکرده در صورتی که انتقال دهنده عالم است و آن کس هم که باو نقل و انتقال داده شده عالم است که این مال یا ملک توقیف شده و با این علم میآیند يك معامله می کنند و نقد و انتقالی میدهند البته تصدیق میفرمائید که يك خلافی مرتکب شده اند و البته يك مجزاتی لازم دارند و بعلاوه این حبس هم تادیبی است و تادیبی بر این راجع به مجزاتی که آقای هزار جریبی فرمودند است البته در سر جیب خودش محفوظ است. آیه شریفه که فرمودند باید به بدیم این مجازات چیست این جزاء الذین یحربون الله و رسوله ویسعون فی الارض فسد ان یقاتلوا ویصلبوا و یقتلوا فی الارض ان خلافی مرتکب شده است و نمیشود بدارش زد اما باید سرفقت باز این را بگیرد السرق و السارق چهارده شرط دارد که در هر دو ممکن نیست موجود بشود آن شرایط قطعید بشود پس این يك خلافی کرده خلافی است در حد شرع مجازاتش تعزیر است و تعزیر در استه نظر حاکم است حاکم عدلیه مطابق قانون آدمی است خلاف کرده و جنحه مرتکب شده در حد حبس تادیبی برایش معین میکند ما چرا حاکم شرعی را که در جیب دیگر وضع شده است میآوریم در این جزئیات ذکر میکنم.

هزار جریبی - بنده توضیحی دره

رئیس - آقای دنیا

کیاوری - آقای مخبر توجه بفرمائید. عرض میکنم در این ماده از برای انتقال دهنده (یعنی محلوله عیبه) و انتقال گیرنده در صورتیکه عالم باشند مجزاتی معین کرده اولاً این قید را فهمیدم هر دو مورد یعنی انتقال دهنده و انتقال گیرنده هر دو عالم باشند مقصود است یا اینکه به انتقال گیرنده يك موردی بنده در نظر آمده است آقای مخبر توجه بفرمائید این مورد را چگونه مجازات

معین میکنند؟ فرض بفرمائید اگر يك مدعی و مدعی علیه آمدند دعوی بر ملكی كردند كه اصلاً مال آنها نبوده و مال شخص ثانی بوده و از يك نقطه نظر دیگری او نه از این دعوا مطلع نیست بدون اطلاع از توقیف آمد و انتقال بغیر داد او باید دو سال حبس شود مخیر - شخصی نالت؟

کیا نوری - بل شخص نالت بنده می خواهم عرض کنم که این قسمت اخیر ماده که شش ماه ای دو سال حبس باشد ممکن است يك شخصی مالك حقیقی را که جاهل بتوقیف هم بوده و آمده ملك را انتقال داده شامل شود و او بدون جهت دو سال حبس شود.

مخیر - عرض میشود اولاً آقای آقا سید یعقوب يك فرمایشی فرمودند راجع باینکه هنوز تکلیف قطعی متداعین در محکمه معین نشده چرا سلب تسلط مالکرا میکنند بنده میخواهم عرض کنم این قانون تازه نیست قانون سابق یعنی قانونی که فعلاً معتبر است آن ماده اش را می خوانم و آن يك چیزی بوده است که عامی درجه اول هم بی آن قانون را امضاء کرده اند. آن ماده این است «از روز وصول اعلام مذکور مدیون نمی تواند مال غیر منقول را بکس دیگر انتقال بدهد مگر بشرط معین در ماده ۶۶۵ و نیز حق ندارد از اشیاء و اسباب متعلقه بمال غیر منقول چیزی بفروشد یا انتقال دهد مگر برضایت طرف باشد» مقصود این است که او حق ندارد و اگر داد نافذ نیست در قسمت مجازات حالا که عقیده شان این است که مجازات زیاد و سخت است ممکن است در شور ثانی قائل به تخفیف مجازات بشوم ولی اصلاً مجازات نباشد نمیشود برای اینکه باید بدانند وقتی از طرف دولت چیزی توقیف شد نمی شود که او را نقل و انتقال داد اما این فرضی که آقای کبک فرمودند بنظر بنده مورد ندارد زیرا برای کسی که مطلع نیست نمیشود تکلیفی معین کرد اگر شخص نالت

بعنوان اعتراض آمده و بر حکم یا قراری اعتراض کرده خودش مثل مدعی و طرفش مثل مدعی علیه است و این وارد نیست و اگر چنانچه بعنوان جلب شخص نالت او را دعوت به محاکمه کرده اند باز در حکم مدعی علیه است و باز همینطور است که در این جا گفتیم و اگر بعنوان دخول شخص نالت آمد باز بعنوان مدعی است و از این سه حال خروج نیست و اگر داخل شد یکی از متداعین میشود. اگر چند نفر اصلاً خبر ندارد کسی دو ایرادی نمیکرد این منحصر به متداعین است کسی که ابتدا اطلاع ندارد از محاکمه هر گونه نقل و انتقال بدهد کسی نمیتواند او را تعقیب کنند مگر اینکه بر حسب قوانین دیگر بداند که مال من خودش نیست و نقل و انتقال دهد و او البته بموجب قوانین مجازات دارد ولی از این باب مجازات نخواهد شد بیات - مذاکرات کافی است.

رئیس - مذاکرات کافی است؛ (بعضی از نمایندگان - بی) پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای ضاهری:

مقدمه منبع ریاست دامت عظمه:

پیشنهاد میشود در ماده ۳۳ عوض شش ماه تا دو سال نوشته شود يك ماه تا يكسال.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب:

پیشنهاد میکند در ماده ۳۳ بجای شش ماه تا دو سال نوشته شود يك ماه تا دو سال.

پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۳۳ و سوم حذف شود

۴ - تصویب فوریت لایحه تجدید اختیار کمیسیون معارف برای تصویب نظامنامه پرداخت اعانه مدارس ملی

رئیس - آقای وزیر معارف فرمایشی دارید؟

وزیر معارف (آقای قراگوزلو) - مقدمه عرض میکنم

در بودجه سنه ماضیه تبصره بود...

یکی از نمایندگان - بلندتر

وزیر معارف - مقدمه عرض میکنم که در بودجه

سنه ماضیه يك تبصره بود که تقسیم اعانه مدارس ملی باید بموجب نظامنامه باشد که کمیسیون معارف تنظیم خواهد کرد (بعضی از نمایندگان - صحیح است) اصل نظامنامه مطرح شد در کمیسیون برای اینکه اصلاحاتی در مواد او بشود کمیسیون اظهار کردند بایستی مجدداً از مجلس شورای ملی اجازه داشته باشند این است که لایحه بقید يك فوریت در این خصوص تنظیم شده تقدیم میکنم

رئیس - ماده ۴۴ قرائت میشود:

ماده ۴۴ - چهارم - مقررات قانون ۹ خردادماه ۱۳۰۸ نسبت به مدعی علیه یا محکوم علیه که در مورد تأمین مال غیر را بعوض مال خود معرفی مینماید مجری خواهد بود.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده در آن قسمت لایحه آقای وزیر معارف عرض داشتم

رئیس - آن قسمت که حالا مطرح نیست. لایحه

تقدیم شده بکمیسیون میرود

شریعت زاده - تقاضای فوریت کرده اند

رئیس - تقاضای فوریت فرمودید؟

وزیر معارف - بلی

رئیس - بسیار خوب لایحه قرائت میشود:

ساحت محترم مجلس شورای ملی

نظر باینکه بموجب تبصره (۴) ذیل بودجه مصوب ۱۳۰۸ وزارت معارف تقسیم اعانه مدارس ملی برطبق نظامنامه که بتصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی رسیده باشد موکول گردیده و تبصره مزبور هم در ضمن مقررات مربوطه بودجه ۱۳۰۸ منظور نشده است و نظر باینکه ادامه مقررات تبصره مزبور بجهت تقسیم اعانه هذه السنه مدارس ملی ضرورت یافته علیهذا ماده واحده ذیل تقدیم و تصویب آن بقید فوریت از ساحت محترمه تقاضا میشود:

ماده واحده - وزارت معارف اجازه داده میشود که برای پرداخت اعانه مدارس ملی که در بودجه ۱۳۰۸ بتصویب رسیده است نظامنامه تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا بگذارد

رئیس - فوریت مطرح است. آقای روحی

روحی - موافقم در اصل حرف دارم

رئیس - اصل امروز مطرح نیست میرود بکمیسیون

آقای یاسائی

یاسائی - موافقم

رئیس - آقای طاهری

دکتر طاهری - موافقم

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - رأی گرفته میشود بفوریت آقایان موافقین

قیام فرمایند. (جمعی قیام نمودند) تصویب شد

۵ - بقیه شور لایحه تأمین مدعی به از ماده ۴۴

رئیس - ماده ۳۳ و چهارم قرائت میشود

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب



آقا سید یعقوب - اینجا آقای مخبر را توجه میدهم که تکرار کردن يك قانونی که در همان جا هم ما تصریح کرده ایم که اگر کسی بیاید و مال غیر را بعنوان مال خودش برای توقیف معرفی کند یا بعنوان اجرا برای آن مجازات معین کردیم دیگر تکرار کردن آن قانون را در اینجا هیچ محتاج نیستیم از این نقطه نظر چون در آنجا تصریح است که اگر مال غیر را بعنوان مال خود معرفی کند یا برای توقیف یا برای اجرای حکم آن مجازات دارد چون این مطلب ذکر شده دیگر در این جا مورد ندارد.

مخبر - اگر نظر مبارك باشد وقتی این قانون مطرح بود بنده خودم پیشنهاد کردم که در مورد تأمین مدعی به هم عمین حکم باید اجرا شود. آقای وزیر عدلیه در اینجا گفتند وقتی قانون تأمین مدعی به مطرح میشود آن قسمت را هم ممکن است در اینجا قید کنیم. در آن قانون عنوان بخصوصی ندارد و اگر بود دیگر در اینجا تکرار نمیشد. لذا ناچار شدیم که در این جا تذکر بدهیم.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم.

رئیس - ماده چهارم و پنجم قرائت میشود:

ماده چهارم و پنجم - هرگاه اموال یا وجوهی که توقیف می شود نزد شخص ثالث باشد یا مورد توقیف طلبی باشد که مدعی علیه یا محکوم علیه از شخص ثالث دارد بخواهد قرار توقیف بشخص مزبور ابلاغ و در نسخه نالی آن رسید دریافت میشود و مراتب فوراً بمدعی علیه یا محکوم علیه نیز اخطار میگردد.

رئیس - مخالفی ندارد؟

بعضی از نمایندگان - خیر

رئیس - ماده چهارم و ششم قرائت میشود:

ماده چهارم و ششم - هرگاه شخص ثالث منکر وجود

تمام یا قسمتی از مال یا طلب باشد باید در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار توقیف مراتب را بمحکمه که قرار را صادر کرده اطلاع دهد و الا معترف بوجود مال یا طلب محسوب خواهد شد.

(نسبت بماده فوق مخالفی نبود)

رئیس - ماده پنجم و هفتم قرائت میشود:

ماده پنجم و هفتم - هرگاه مستدعی تأمین ثبت نماید که در حین ابلاغ قرار توقیف مال یا طلب نزد شخص ثالث وجود داشته منکر بمجازات مقرر در ماده ۴۳ رسیده و ماده که حقوق تضییع شده طرف را جبران ننماید در توقیف خواهد ماند.

شریعت زاده - بنده خواهش میکنم این را يك

دفعه دیگر بخوانند

( مجدداً بشرح فوق قرائت شد )

رئیس - آقای سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده تزلزل عبارت را... بیانم اینجای عرض کنم... ( پشت کرسی خطاب ) بنده در اصل ماده ۲۶ هم اشکال داشتم حالا به آقای مخبر هم عرض میکنم ما نباید برای هر چیزی برای يك امر جزئی یا تخلف که در ظرف ده روز اگر آمد و خبر نداد ما این را بگوئیم تخلف کرده و مجازات قرار بدهیم. در ماده چهارم و ششم هم گفتیم هرگاه شخص نالی منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب باشد این مکلف است در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار توقیف مراتب را به محکمه که قرار را صادر کرده اطلاع دهد والا اگر این کار را نکرد مجرم خواهد بود. این مثل این است که اگر من بخواهم در خانواده خودم يك مجازاتهای جزئی قرار بدهم یا نسبت بنوک خودم این يك تهدیداتی، يك چیزهایی هست. ولی وقتی که میگوئیم در قانون مملکت باشد ما این را باینطور نباید بنویسیم بنده ترتیب این تالی را بر این مقدمه و این نتیجه را صحیح نمیدانم بگوئیم که اگر این کار را کردی مجرمی

این مثل تهدید کردن آخوند شاگردش است. وضع این قانون برای این است. در اینجا نظرم هست امیدوارم در شور نالی این را کاملاً تحت نظر بگیریم یعنی مجازات را جور دیگر قرار بدهیم و بنویسیم. در ماده چهارم و هفتم هم که الزامی شد و میگوید هرگاه مستدعی تأمین ثبت نماید. اصل موضوع این است مثلاً بنده مدعی هستم و حضرتعالی مدعی علیه من تقاضای تأمین کردم مال شما پیش آقای طهرانی است آقای طهرانی آمد و منکر شد و گفت مالی پیش من نیست من که مدعی هستم باید ثبت کنم که مال پیش ایشان است ولی این عبارت بعرض که مجازات مقرر است... هر چه نقص است بر خود اعضاء کمیسیون وارد میآید که چرا اینطور ماده را تنظیم کرده ایم یا تقصیر را بر عضو ضعیف بیاندازیم و بگوئیم در مضیعه اداره تقنینیه است و میگوئیم که آنها این کار را کرده اند ولی در اینجا نمیدانم چه شده است. چه چیز است؟ « هرگاه مدعی تأمین ثبت نماید که در حین ابلاغ قرار توقیف مال یا طلب نزد شخص ثالث وجود داشته منکر بمجازات مقرر در ماده چهارم رسیده » بنده اصلاً هیچ این ماده را نمی فهمم. فرصتی بدهیم تا آن ماده درست شود خودم حقیقتاً هیچ نمی فهمم و متأسراً. خجالت هم ندارد.

مخبر - بنده تصدیق میکنم که عبارت قدری نارسا است ولی بنده میخوانم اگر آقایان اشکالی می بینند ممکن است پیشنهاد کنند اصلاح عبارتی خواهد شد ولی مطلب معلوم است که چیست هرگاه مستدعی تأمین ثبت نماید یعنی اگر چنانچه شخص نالی مالی نزد او بود و قرار محکمه باو ابلاغ شد و او حاشا کرد که مال فلان آدم پیش من نیست و طلب ندارد بعلاوه ده روز هم گذشت یا مثلاً ابلاغ کرد با اطلاع داد که ندارد بعد آمد مدعی تأمین ثبت کرد که مدعی علیه فلانقدر پول یا فلانقدر دارائی پیش آن شخص داشته است و این شخص منکر شده است برای اینکه مال تضییع

شود البته آن کسی که منکر شده است بایستی مجازات بشود زیرا که اگر مجازات نشود شما نمیتوانید احکام و قرارهای محاکم را اجرا کنید مگر با اینگونه مقررات غالب مردم از اجرای عدلیه شکایت دارند از اجرای قرارها و احکام اظهار عدم رضایت میکنند برای چه؟ برای این که مأمورین وسایل اجرا ندارند برای اینکه کسی که محکوم شد یا قرار بر علیه اوست وسایل اخفی مال را زیاد دارد اشخاص نزدیک و خویشانش در بانکهای می کنند پس اگر شما يك مقرراتی درست نکنید غالباً احکام و قرارها بلا اجرا میماند همه که دارائی ظاهر و علنی که ندارند که مأمور برود آنها را توقیف کند پول دارد در بانک طرف تقاضا میکند که عین پولش در بانک توقیف شود بانك البته نباید منکر شود که فلان آدم پولی در این جا ندارد باید مأمورین بروند قرار را ابلاغ کنند و بانك بداند که بموجب حکم عدلیه آن پول نزدش توقیف است اگر چنانچه داشتن پول آمد و گفت خیر این شخص پولی ندارد باید این بانك را مجازات کرد

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - عرض کنم که این ماده ۲۸ هم تصور که فرمودید در ذیل قسمت اول ماده ۲۶ است که هرگاه منکر شود البته او يك مالی پیشش بوده...

بعضی از نمایندگان - ماده ۲۷ است

کیا نوری - بلی ماده ۲۷ مالی پیشش بوده و منکر شده در اینصورت البته تصدیق میکنم که باید مجازات شود ولی این دو فرض دارد (توجه فرمائید آقای یک وقت انکار او از باب علم است یعنی باینکه میدانند که مالی پیش او موجود است برای اینکه یا خودش از اجراء فرار کند یا مال رفیقش را بیاد نهد انکار میکند البته در اینصورت باید مجازات شود برای اینکه مال يك شخصی را تفریط میکنند ولی اگر این انکار برای اختلاف دفتری بود و نمیدانست پنج هزار تومان مدعی علیه پیش این شخص پول داشته

در صورتی که طرف اطلاع داشته باشد البته مجازات می شود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده با این ماده از جهات مختلف مخالف هستم اولاً تا مین یک نوع حمایتی است که متین میخواهد در باره مدعی بکند این حمایت نباید طرف افراط و تفریط برود که سبب دعاری و اختلافات دیگری بشود اینجا معنایش این است که اگر شخص ناک منکر باشد هم باید تعقیب جزائی بشود و هم از نقطه نظر حقوقی باید محاکمه شود. این اصول را باید اساساً منع کرد ثانیاً اینکه اصلاً مجازات باید متناسب داشته باشد با عمل اینجا فک توقیفی نشده است که بگوئیم فک توقیف از دولت یا محکمه بعمل آمده است و باید مجازات شود خلاصه یک حرف خلاف حقیقتی زده است مجازات او باید این باشد باید فقط مجازات او این را قرار داد که اگر ثبت شد محکمه باید بگوید که این پول را بده حالا دیگر مجازات بشود این چیزها بنده نمی فهمم و نمیدانم که این ماده کی در کمیسیون مطرح شده است که بنده اطلاع ندارم

مخبر - آقای شریعت زاده اظهار فرمودند که اطلاع ندارند که کی این ماده در کمیسیون مطرح شده است ممکن است فراموش کرده باشند و یا حقیقتاً روزیکه آن قسمت در کمیسیون مطرح بوده است تشریف نداشته اند قسمت دیگر در اینکه فرمودند که یک شخص تالی یک حرف خلاف حقیقتی زده است بنا بر این نباید کاریش داشت اینطور نیست این شخص یک حرف خلاف واقع و حقیقتی زده است و در نتیجه حقوق یک شخصی بکلی از بین رفته است و مدعی علیه هم چیز دیگری نداشته است که جبران کند مال شخص محکوم له را کسی مالی پیش او دارد این شخص بنفع او حاشا میکند که حق دیگری از بین برود این را نباید اجازه داد که مردم بدروغ و

تقلب موجب تضییع حقوق اشخاص بشوند شما که بعدلیه یا باجرا میگوئید که مال فلان شخص را بگیر و بده این باید وسائلش را هم داشته باشد و ما باید یک قوانینی وضع کنیم که برای مأمور اجرا سهل باشد که اشخاص بیخود متکر نشوند والا در مؤسسات خارجی بخصوص اگر یک وجوهی اشخاص داشتند و عدلیه خواست برود بگیرد اینها متکر شدند و ترتیب اثری ندادند دیگر کجا میتواند مأمور عدلیه این حکم را اجرا کند. بنده عقیده دارم که این ماده خیلی خوب است و لازم است و اگر یک کسی از مجازات میترسد و بقول شما مجازات سخت است و متناسب نیست دروغ نگوید.

روحی - صحیح است کافی است آقا

آقا سید یعقوب - خیر کافی نیست باید معلوم شود

بنده مخالفم (صدای زنگ رئیس)

رئیس - فرمائید

آقا سید یعقوب - توجه میدهم آقایان را که ملاحظه فرمایند که این ماده که محل اختلاف است بایستی بیشتر در صحت صحبت بشود که نظر آقایان نمایندگان درش معلوم شود که ما اعضاء کمیسیون بفهمیم که این ماده محتاج الیه هست یا نیست (ایزدی - هست) اینجا نظریات مختلف است بعضی ها میفرمایند که محتاج است این است که بنده تقاضا میکنم اگر موافقت فرمائید بیشتر در این موضوع صحبت شود که اعضاء کمیسیون نظریات مجلس را بدانند (صحیح است)

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده کمی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست. آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - یک اصطلاحی را آقای دشتی

میفرمایند که میگوید ثوری آمال (خنده نمایندگان)

یک چیزهایی را باید بگوئیم که حقیقتاً محل ابتلا و عمل بوده است باید به بینیم که قانون در کجا اجرا میشود ما قانون اساسی داریم که در تحت لوای یک پادشاهی میخواهیم قانونی وضع کنیم که برای اجرا سهل باشد باید به بینیم که تا چه اندازه قوای ملی و افکار عمومی و اخلاق عمومی حاضر شده است از برای اجرای قانون بنده نمیبینم آنطوریکه با اصطلاح سر کار قانون ثوری باشد پیش نمیرود. وقتی که این را قبول دارید باید کاری نکنید که تمام سرمایه ما منتقل به جاهای دیگر شود همین اندازه برای شما کفایت میکند و آنوقت قانون از این طرف دیوار بان طرف نمیرود و اجرا نمیشود حالا که این طور شد ما نباید در قانون یک چیز هایی را بکنجاییم که مستلزم این باشد که تحت عمل طوری بشود که سرمایه ما از پیش ما برود در جای دیگر امانت گذاشته شود پس ما هیچ محتاج به این ماده نیستیم پس وقتی که قوای ما این طور است ، اخلاق ما این طور است باید این چیزها را در نظر بگیریم.

رئیس - آقای شریعت زاده ... (حاضر نبودند)

آقای طاهری

دکتر طاهری - مخالفم

رئیس - آقای روحی

روحی - عرضی ندارم

رئیس - آقای مخبر نظری ندارید؟

مخبر - آقای آقا سید یعقوب فرمودند ما اعضاء کمیسیون

نمیدانیم این ماده چطور شد که تصویب شد لابد اکثریت اعضاء کمیسیون موافق بوده اند که رأی داده اند باین ماده و حالا هم آقایان هر نظری دارند پیشنهاد کنند یک اشخاصی که مخالف هستند با مجازات البته پیشنهاد حذف ماده را میکنند و آنهایی که موافقت و طرفدار بقائش هستند میگویند باشد و انقدرها هم این ماده

است مقداری را داده است و مقداری گرفته و نمیداند اصلاً چه مقدار است بایستی به این حسابها رسیدگی کند به بیند اگر چنانچه طلبی دارد و پول نزد او موجود است قبول کند در این صورت که علم ندارد که این مقدار پنج هزار تومان را که مثلاً شما توقیف کرده اید پیش او موجود است و او منکر شود و بعد کشف شود با این که واقعاً هم نمیدانسته است در این صورت مجازات این شخص حقیقتاً بی انصافی است برای اینکه عالم نبوده این قید را اگر شما در این جا نگذارید خوب نیست که اگر انکار با علم کرده باشد البته مجازات میشود ولی اگر انکار او بواسطه عدم علم باشد چه مجازاتی دارد. مخبر - عرض میشود. مجازات بموجب قوانین و اصول بایستی متوجه شود به عمد و علم و قصد و بالاخره بایستی قصد باشد عالم باشد متعمد باشد مگر در مورد قتل که آن یک طرز خاصی است و الا در تمام مجازات ها علم منط است اگر یک کسی واقع مدلل کرد که جاهل بوده است بیک موضوعی این مجازات ندارد پس بایستی علم داشته باشد این جاهم که ما گذاشتیم مال یا طلب اگر چنانچه یک دعوائی بود و اختلافی بود پس از رسیدگی معلوم شد مانعی ندارد اگر اختلاف حساب بوده آن مربوط به مطلب نیست ما این جا نوشته ایم مال یا طلب ممکن است برای اطمینان خاطر پیشنهاد کنید که مال یا طلب مسلم و مقطوع که خاطر تان جمع باشد مقصود دعوا و مرافعه نیست که کسی بگوید من ده هزارو شصت تومان از تو میخواهم و محتاج باشد باین که دفاتر را بیاورند و رسیدگی کنند که کی طلب کار است و کی بده کار است این مورد این جا نیست طلب یا مال همانطور که عرض کردم اگر چنانچه مسلم شود مثلاً یک کسی برای فرار از مأمور عدلیه میخواهد پولش را ببرد در خانه شخص ثالثی قایم کند بعد که موضوع گذشت برود بگوید که من فلان کیسه را در فلان جا گذاشتم و حالا میخواهم ببرم و ممکن هم هست ولی این طور قضیه کم اتفاق میافتد

مهم نیست که وقفه برای این ماده در این قانون پیدا شود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده هم با این نظر موافق هستم که در این باب در کمیسیون با استحضار از نظر مجلس بحث شود باین جهت مطلب دیگری را که ضرورت دارد توجه میدهم که اصولاً اوامر راجعه بتأمین فقط درباره محکوم علیه مورد اعتبار است تا وقتی که از طرف یک محکمه حکم صریح بشود که فلان مال را فلانکس باید بدهد یا فلان مؤسسه مکلف است آگر پولی از فلانکس در پیش او است بدهد و باستناد یک قراری که در دست مأمور اجرا است مؤسسات مکلف نیستند و این که بنده عرض کردم از جهات مختلفه با این ماده مخالفم برای این است که اگر نظریه لازم الاجرا باشد در مؤسساتی که مأمور حفظ و صیانت اموال مردم هستند این مسئله اسباب اختلاف میشود این است که باید از جهات مختلفه در این باب مذاکره شود و بنده هم از آقایان خواهش میکنم که نظریات خودشان را پیشنهاد کنند که با حفظ نظر مجلس این مسئله برود در کمیسیون و در آنجا مذاکره شود.

بیات - در هر حال معلوم است میرود بکمیسیون.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده ۴۷ حذف شود.

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

پیشنهاد میکنم ماده ۴۷ حذف شود.

پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۷ حذف شود.

پیشنهاد آقای لاریجانی

بنده پیشنهاد مینمایم که ماده چهارم و هفتم بطریق

ذیل اصلاح شود :

رك و پوستش رفته است که این کار را کرده است این را باید عفوش کرد بنده مخالفم بنده میگویم هرکس نخطی کرد به حقوق اشخاص باید مجازات شود و روح عاطفه و رأفت در ما قانون گذارها نباید باشد اگر ما نخواهیم مردم را بطرف خوبی دلالت کنیم باید قوانین خیلی سخت باشد تا که مردم نتوانند پیرامون کاربرد بروند چیز هائی که در این قانون ذکر شده است چیز هائی است که تمام آنها محتمل الوقوع است چیز هائی است که الان ما با آنها دست بگیریم ما میگوئیم به احتمال این که ممکن است یک همچو کاری بکنند باید قانون را طوری سخت قرار داد که جلوگیری از این کارها بشود این عیبی ندارد خیر این را باید البته مجازات کرد و در این ماده هم بنده بنوبه خودم مجازاتش را خفیف میدانم زیرا که مالی را آورده اند پیش یک شخصی توقیف کرده اند ( توجه بفرمائید آقای مخبر ) مالی که پیش او توقیف شده است رفته است آن شخص خیانت در امانت کرده است خیانت در امانت خودش یک عثوانی دارد در قانون مجازات عمومی که کسی که خیانت با امانت کرد چقدر جرم دارد و این جا اصلاً این مطلب را متذکر نیست مینویسد تا وقتی که از عهده جبران خسارت بر نیامده است در توقیف خواهد بود و وقتی که مال را داد از توقیف خارج میشود و حال آنکه این شخص خیانت در امانت کرده است باید مجازاتش سخت تر از این باشد و ما نباید این طور بکنیم که مال مردم را تقریباً کنیم و با اتمال کنیم و واقعاً تضییع حق مردم بشود بنده عقیده دارم که مجازات این شخص را قدری شدید تر قرار بدهند که کسی که این مال پیشش است و نزد او توقیف است بهیچوجه حق ندارد در آن مداخله کند اگر مداخله کرد مجازات خیلی سخت باید بشود نه این که همین که رفع خسارت کرد او را از توقیف خارج کنند زیرا خیانت در امانت را هم این ماده شامل است و بایستی مجازاتش را بیشتر کرد

مخبر - آقای روحی توجه بفرمائید که این مواردی که در این مواد ذکر شده است کاملاً موارد حقوقی است ما توجهات در این جا به مجازات کسی که در امانت خیانت کرده است نیست کاملاً مطلب حقوقی است شخص نالی است منکر شده است که مال فلان آدم بهلوی من است در موقعش مأمور عدلیه میگوید که این آدم محکوم شده است و میرود از شخص ناک که مال محکوم علیه پیش او است آن مال را بگیرد و او امتناع میکند آن متنع را اگر دارائی دارد توقیف میکنند و اگر دارائی ظاهری ندارد حسش میکنند بدهد به این که افلاش ثبت شود این دستور اجرای او است و الا آنطور که فرمودید نمیشود مجازات قائل شد اگر فساد اخلاق از نقطه نظر این مملکت و فکر مردم موجب مجازات شدید باشد یک چیز های دیگری است و الا جریان کار های حقوقی در عدلیه یک صورت منظم و مرتبی دارد و این هم همانطور است شخص ناک وقتی که اقرار کرد که این مال پیش من است و در موقعش نداد این مثل محکوم علیه است او را اگر مالی دارد توقیف میکنند اگر ندارد خود او را توقیف میکنند بدهد به اینکه افلاش ثبت شود ( صحیح است )

رئیس - ماده چهارم و نهم قرائت میشود :

ماده چهارم و نهم - ماده ۹۰ و مواد ۳۷۱ تا

۴۰۷ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب رمضان

و ذیقعد ۱۳۲۹ هجری و همچنین مواد ۱۲۶ تا ۱۵۸

مقررات موقتی راجع باصول محاکمات حقوقی که بموجب

اختیارات حاصله از ماده واحده ۲۷ همن ماه ۱۳۰۵

و ۲۸ خرداد ماه ۱۳۰۶ تنظیم شده است نسخ میشود

( نسبت باین ماده معارضی نبود )

رئیس - ماده پنجاهم قرائت میشود :

ماده پنجاهم - وزارت عدلیه مأمور اجرای این

قانون است .

ماده چهارم و هفتم - هرگاه مستعدی تأمین ثابت نماید که درجین ابلاغ قرار توقیف مال یا طلب نزد شخص ناک وجود داشته بتادیه آن مال محکوم خواهد شد.

رئیس - ماده چهارم و هشتم قرائت میشود :

ماده چهارم و هشتم - هرگاه شخصی که مال یا طلب نزد او توقیف شده در آتیه از تسلیم مال یا تادیه طلب امتناع نماید دائره اجرا معادل مال یا طلب توقیف شده را از اموال شخصی او استیفا خواهد کرد و در صورتی که دسترسی باموال او نباشد تا موقعی که حقوق تضییع شده طرف را جبران نموده در توقیف خواهد ماند .

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض ندارم .

رئیس - آقای روحی .

روحی - عرض کنم بدبختانه وقتی بعضی قوانین به مجلس می آید یک روح عاطفه همه ما را میگیرد و آن این است که میگویند چرا توقیف میکنند چرا حبس میکنند اگر حبس کردند تکلیف اولاد او چه میشود از کجا گذران کنند شاید کاسب فقیری است و باید با چند نفر عائله زندگی کند این روح یک روح بدی است باید متخلف از قانون متعدی بحقوق اشخاص در جامعه مسلماً در ذلت باشد و در حبس باشد و معلوم نیست که اولاد او هم خوب باشد اولاد او هم تابع پدرش است تابع آن کسی است که متکفلشان است این شخص رفته است شرارت کرده است رفته است بمال مردم نخطی کرده است این روح عاطفه را بنده در قانونگذاری خوب میدانم اگر بخواهید حقیقه از اخلاق بد جامعه جلوگیری شود و اخلاق خوب جای نشین آن شود باید این روح عاطفه را بر دارید و باید قوانین را سخت کنیم تا این که از ترس مجازات مردم عقب این طور کارها نروند و الا اگر بگوئیم ( مثل آن حرفهائی که سابق به بچه ها میزدند ) که شیطان گولش زده است اجنه نوی

قوانین عدلیه شور ثانی همین لایحه را یا یک لایحه دیگری را برای جلسه دیگر ما تهیه خواهد کرد جلسه آینده را یکشنبه ششم بهمن معین میکنیم دستور هم لوایحی که کمیسیون قوانین عدلیه بما بدهد .

(مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

(در این ماده هم مخالفی نبود)

رئیس - آقایانیکه شور دوم را تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد .

[ ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - فعلا چیز دیگری در دستور نداریم اجازه میفرمائید مجلس ختم شود و بامید این که کمیسیون